مدیریت شهری
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018
۴۹-۶۵
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۱

بازشناسی مفهوم تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی (دولتخانه‌های دوره صفویه)؛ بررسی رابطه دوسویه فضای عمومی با قدرت متمرکز*

مهکامه لوافی- دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
منصور سپهری مقدم**- استادیار گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
فرح حبیب- استاد گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده
تشکیل دولت‌صفوی را می‌توان نقطه عطفی در روابط قدرت و تولید فضا در شهرهای ایرانی برشمرد. چراکه برای اولین‌بار شاهد حضور میدان‌های عمومی در شهرهای ایران به‌صورتی بودیم که عناصر اصلی و عمومی شهر در جوار آن قرارگرفته و مرکزی با قدرت سیاسی، مذهبی، اقتصادی در قلب شهر پدیدآورد. دراین زمان میدان همچون جلوخانی برای باغ سلطنتی نقش مهمی ایفامی‌کند. هدف اصلی پژوهش‌حاضر، شناخت چگونگی تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی و به‌عبارتی بازشناسی نقش فضای عمومی میدان در رابطه با گفتمان قدرت متمرکز است. برای یافتن این‌رابطه لازم است، منابع و اسناد تاریخی درجه اول تحلیل و تفسیر شوند. لذا ماهیت این‌پژوهش کیفی و تاریخی است و با روش تحلیلی- توصیفی، سعی در یافتن کارکرد نمادین عناصر شهری در جریان تغییرات اجتماعی و سیاسی آن‌دوران دارد. رویکرد تحلیلی مورد استفاده در تفسیر نقش میدان‌ها در این مقاله با تاسی از مباحث مطرح‌شده توسط فوکو، بوردیو و نظریات اجتماعی هنری لوفور می‌باشد. این‌رویکردها سبب‌گردید تا دریابیم دولتخانه‌های صفوی، میدان را متفاوت از آنچه به‌معنای محل گردهمایی‌عمومی و مکان برقراری تعامل میان مردم وجود دارد، تغییر شکل مفهومی داده و از آن به‌عنوان مرکزی برای نمایش قدرت -مرکزی و استفاده از قدرت‌های اقتصادی و مذهبی برای تقویت حکومت صفوی بهره‌برداری نموده‌است.
واژگان کلیدی: میدان، باغ‌های سلطنتی (دولتخانه‌های صفوی)، قدرت، فضای عمومی.

Recognition of the Concept of the Interaction between Safavid Square and Royal Gardens "Investigating the Mutual Relationship between Public Space and Centralized Power

Abstract
Formation of the Safavid Empire can be regarded as a milestone in the relationship between power and space production in Iranian cities. Since, for the first time, we can see the appearance of public spaces in Iranian cities where the main elements of the city were located in their neighborhood and provided a center with political, religious and economic power respectively. At this time, square played a significant role as a gateway to the royal garden; The present research aims at investigating the recognition of the interaction between Square and Royal Gardens (Safavid Royal Court) or rather, recognition of the role of the public space of square in relation to the discourse of centralized power. To find this relationship, it is necessary to analyze and interpret the first rate resources and documents written simultaneously with the formulation of such buildings. Hence, this study is a qualitative and historical research that, using analytical-descriptive method, attempts to finds the symbolic function of urban elements in the course of social and political changes of that era. The analytical approach used in this essay for the interpretation of the role of squares is influenced by the arguments of Foucault and Bourdieu as well as Henri Lefebvre›s social ideas. Using this approach, we came to know that according to Safavid royal courts, square has conceptually differed from what has been the place of public gathering and people interaction, and has been instead a center for the display of central power and the use of economic and religious powers to strengthen the Safavid dynasty.
Keywords: square; Royal Gardens (Safavid Royal Court); power; public place

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهکامه لوافی با عنوان «بازشناسی و تحلیل عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری میدان و دولتخانه اصفهان در عصر صفوی» است که به راهنمایی دکتر منصور سپهری مقدم و مشاوره دکتر فرح حبیب در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران انجام پذیرفته است.

** مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۰۲۵۹۹۰، رایانامه: m-sepehri@srbiau.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

مقدمه

تشکیل دولت صفویان در آغاز قرن دهم هجری نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌آید. چنان که بسیاری، آن را فصل نوینی هم برای ایران و هم برای تشیع دانسته‌اند.اما بایستی توجه داشت، دوران حیات صفویان که نزدیک به دو قرن و نیم از ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ هجری قمری ادامه داشت، خود نیز شاهد تحولات قابل توجهی بوده و شرایط دولت صفوی از آغاز تا پایان، یکسان نبوده است، به گونه‌ای که طریقت صفوی و فرقه‌های صوفیان قزلباش که نقش مسلم و انکارناپذیری در حیات اجتماعی شهرهای صفوی در اوایل این دوره داشتند، به‌تدریج جای خود را به نقش بی‌رقیب پادشاه و حاکمیت مطلق او سپردند. الگوهای توسعه شهری صفوی در پایتختهای صفوی در شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان دارای شباهتهای زیادی در بکارگیری عناصر ساختاری برای بیان قدرت نمادین و مشروعیت ساطنت هستند. اینکه میدان همچون فضای باز وسیعی به‌عنوان جلوخان دولتخانه و باغات سلطنتی تعریف می‌شود و اینکه چنین نحوه تولید فضایی چه معانی را در بردارد، هدف پژوهش حاضر است. برای رسیدن به چنین مفاهیمی، برخی از متون و اسناد تاریخی بسیار ارزشمند که تا به حال کمتر مورد توجه محققین نبوده است، مورد تحلیل قرار گرفته است. این متون ما را در فهم رابطه قدرت مطلق و شکل‌گیری باغات سلطنتی یاری می‌نماید. اینکه در این متون و اسناد چگونه باغ و دولتخانه صفوی فراتر از شکل کالبدی در گفتمان قدرت مطلق شاه تفسیر می‌شوند، هدف اصلی پژوهش حاضر است.

مبانی نظری این پژوهش بر پایه نظریات «فوکو، هنری لوفور، بوردیو و داوی» پیرامون رابطه فضای ساخته شده و گفتمان قدرت تبیین می‌گردد. اینکه چگونه فرم‌های ساخته شده معماری به عنوان واسطه-هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند. از دیدگاه آنان، شهرهای قدرتمدار، دارای مکان‌های تجلی قدرت و به تعبیری دیگر نمادی از شکوه و جلال حکومت‌ها می‌باشد. قدرت در هر جامعه ای تلاش می‌کند تا محیط، مکان و فضا را تحت کنترل قرار دهد. شهر فضایی است که توسط قدرت مدیریت می‌شود، اگرچه این توده‌های بی‌قدرت اند که در عمل آن را اشغال می‌کنند. شهرهای قدرتمدار به گواه تاریخ، معمولا باسبکی با شکوه و از مصالح ساختمانی مرغوب ساخته شده اند. در ورای این شکوه و جلال، حضور حکمرانانی قوی احساس می‌شود، به طوری که ساختمان‌های چنین شهری گویای ویژگی‌های نظام سیاسی حاکم می‌باشند. قالب شدن نیروی سیاسی در توسعه کالبدی شهرها معمولا با ظهور بافت دوگانه همراه است. چنان‌که بخشی از شهر که توسط نیروی سیاسی احداث می‌شوند و در جهت نشان دادن شکوه و عظمت حکومت می‌باشد، واجد بافت زیبا، محکم و پایدار است (معتمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۵). سازمان فضایی شهرهای ایران در طول ادوار تاریخی تحت تاثیر عوامل گوناگون به ویژه قدرت سیاسی متمرکز در حاکمیت قرار گرفته است. میدان و دولتخانه‌های صفوی مهمترین نماد و بازتاب شیوه اعمال قدرت در عصر صفوی بوده‌اند. بررسی سیر تحولات فضایی کاخ‌های حکومتی تا دوره صفوی نشانگر سیر تحول در گفتمان قدرت در تاریخ ایران است، تحولی که با گفتمان قدرت- دفاع آغاز می‌شود و در قدرت-سیاست به کمال می‌رسد.

پیشینه تحقیق

مطالعات پیرامون مجموعه میدان و باغ‌های سلطنتی دوره صفوی را به طور کلی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

گروه اول، مطالعاتی هستند که صرفاً از جنبهٔ توصیفی به تشریح خصوصیات ظاهری اجزای تشکیل دهندهٔ شهر، از جمله میدان و عناصر پیرامون آن پرداخته‌اند. این مطالعات از دیدی صرفاً تاریخی به توصیف آثار و ابنیه دوره صفوی پرداخته‌اند. در این میان می‌توان به آثار مستشرقان و سیاحان اروپایی، به ویژه در قالب سفرنامه‌ها نوشته‌اند. از این جمله می‌توان به سفرنامهٔ پیترو دلاواله در دورهٔ شاه عباس (دلاواله، ۱۳٤۸)، سفرنامهٔ شاردن (شاردن، ۱۳٦۲) و سفرنامهٔ انگلبرت کمپفر (کمپفر، ۱۳٦۰) اشاره کرد. این آثار، از نظر اطلاعاتی که در مورد مجموعهٔ میدان و دولتخانهٔ‌های صفوی می‌دهند، از اهمیت بسیار برخوردارند. گروهی از مطالعات هم که از سالهای پایانی دورهٔ قاجار بدین سو موجودند؛ مانند کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» اثر محمد مهدی اصفهانی یا آثار لطف‌الله

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

هنرفر، از جملـه گنجینـهٔ آثـار تاریخـی اصفهـان و آشـنایی بـا اصفهـان در ایـن زمره‌اند.

گـروه دوم مطالعاتـی هسـتند کـه بـا توجـه بـه اسـناد تاریخی و گراورهای سـیاحان غربی، سـعی در بازسـازی مجموعـه میـدان و دولت‌خانه‌هـای صفوی در پایتخت‌هـا و یـا شـهرهای مهـم همچون اشـرف، فرح‌آبـاد و سـاری و یا ارائـه الگوهای آنان داشـته‌اند. از ایـن گـروه می‌تـوان بـه مقـالات مهـوش عالمـی تحـت عنـوان «باغ-هـای شـاهی اشـرف و فرح‌آبـاد» (Alemi,1994)، «باغ‌هـای سـلطنتی صفویـه در سـاری» (Alemi1996,)، «باغ‌هـای صفویـه: گونه‌هـا و الگوهـا» (Alemi1997,)، «باغ‌های‌شـاهی عهـد صفـوی و روابط آنها با شـهر» (Alemi 2005,)، «باغ‌های تبریز» (عالمی، ۱۳۹۰) و یـا بـه مقالـه «بازخوانی میـدان صاحب‌آباد از روی تصاویـر شـاردن و مطراق‌چـی بـر اسـاس متـون تاریخـی» (حناچـی و همـکاران، ۱۳۸۵)، «بـاغ صاحب‌آبـاد تبریـز» (بانـی مسـعود، ۱۳۸٤) و «طرح پژوهشـی سـیر تحـول سـازمان فضایی شـهر قزوین» (منصـوری و همکاران، ۱۳۹۱) اشـاره کـرد. برخی از ایـن مطالعات نیـز در زمره کاوشـهای باستان‌شناسـی و از طریـق گمانه‌زنـی و حفاریها سـعی در بازسـازی نقشـه دولت‌خانه‌هـای صفـوی داشـته‌اند. در این نوع مطالعـات بـر خـود «بنـا» بعنـوان اصلی‌تریـن مدرک موجـود اسـتناد شـده اسـت. از آن جملـه می‌تـوان به مطالعـهٔ اوژینـو گالدیـری در مـورد «کاخ عالی‌قاپـو» (گالدیـری، ۱۳٦۱) و مقالـه «طراحـی شـهری قزوین عصـر صفـوی و بـازار قاجـاری» (Wirth 1997,) و «گمانه‌زنـی در مجموعـه صاحب‌آبـاد و مجموعـه حسـن پادشـاه» (عمرانی‌پـور و همـکاران،۱۳۸٦) اشـاره کـرد. نتایج حاصـل از این مطالعات ارزشـمند اسـت، و در ایـن پژوهش در تحلیل سـاختار شـکلی مجموعه‌هـای دوره صفـوی اهمیـت دارنـد.

گـروه سـوم، مطالعاتی هسـتند که رابطهٔ بین اشـکال شـهری و معانـی موجـود در آنهـا را بررسـی کـرده. این دسـته از مطالعـات در جسـتجوی رابطـهٔ بیـن تحولات اجتماعی- اقتصادی و سیاسی و اشکال شهری یا بررسی مکاتـب فکری و تاثیر آن در سـاخت مجموعه‌های دوره صفوی اسـت. کتاب «از شـار تا شـهر؛ تحلیلـی تاریخی از مفهوم شـهر و سـیمای کالبدی آن» (حبیبـی، ۱۳۸۰) و پژوهـش «مکتب اصفهان در شهرسـازی» (اهری، ۱۳۸۰) از جمله این پژوهشـها هستند.

رویکـرد پژوهـش حاضـر نیز از نوع سـوم اسـت و بـا ایـن تفـاوت کـه بـا اسـتناد بـه تاریخ‌نامه‌هـا و متـون ادبـی درجـه یـک و رویکردهـای اسـتعاری نهفتـه در آنهـا در نگـرش بـه بـاغ‌های صفوی سـعی در یافتـن رویکردهـای مفهومـی در رابطـه تعاملـی میـدان و باغهـای سـلطنتی در دوره صفوی اسـت. در ایـن راسـتا اسـناد تاریخـی ارزشـمندی کـه در همان محـدوده زمانـی شـکل‌گیری مجموعـه دولتخانه‌های صفـوی بـه نـگارش درآمده‌انـد مـورد بررسـی و تحلیـل قـرار گرفته‌انـد.

روش تحقیق

ماهیت این پژوهش تاریخی و کیفی اسـت، واز روش توصیفـی- تحلیلی بهره گرفته شـده اسـت. در بخش تاریخـی تـلاش می‌شـود کـه تنهـا بـه تاریخ‌نـگاری پراخته نشـود، بلکه از طریق تحلیل و تفسـیر تاریخی بـه فضـا و زمان تاریخـی توجه شـود. بـرای انتخاب نمونه‌هـا و طبقه‌بنـدی آنها از روش توصیفی اسـتفاده خواهـد شـد و در وهلهٔ نخسـت به توصیـف نمونه‌ها براسـاس اجـزا، عناصـر یـا ویژگی‌های قابل مشـاهدهٔ آنهـا پرداخته می‌شـود. سـپس بـا بهره بـردن از روش تحلیلـی از طریـق تحلیـل متـون تاریخـی درجـه اول کوشـش خواهـد شـد کـه نتایـج اولیـه مـورد بحـث و بررسـی قرارگیـرد. شـیوه گـردآوری اطلاعـات، بـه روش کتابخانـه‌ای و میدانـی می‌باشـد. تجزیـه و تحلیـل اطلاعـات از روند خطی تبعیـت نخواهد کرد و همزمـان از روش تطبیقی یا مقایسـه‌ای (قیاسـی) و روش اسـتقرایی اسـتفاده می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

ارتباط فضای شهری با شیوه‌های اعمال قدرت

ریشـه‌های نظـری رابطـه تعاملی قـدرت و اعمال کنترل در گفتمـان فضـا را می‌تـوان در اندیشـه‌ها و نظریـات اندیشـمندانی چـون فوکـو، بوردیـو و لوفـور یافـت. در دیدگاه‌هـای میشـل فوکـو تاکید بر این اسـت کـه رابطه تعاملـی بین متـن و زمینـه وجـود دارد. همچنیـن رابطه تعاملـی و دیالکتیکـی بیـن «گفتمـان، قـدرت، دانـش و حقیقـت» وجـود دارد. در تحلیل گفتمان، مجموع اوضاع اجتماعـی، زمینـه وقـوع متـن، ارتباطـات غیرکلامـی و رابطـه سـاختارها و واژه‌هـا در گـزاره‌ای کلـی نگریسـته می‌شـود. لوفـور نیز فضای اجتماعی را شـامل سـه بعد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

دانسته است؛ ۱)جریان‌های فیزیکی و مادی؛ انتقال‌ها و تعاملاتی که در سرتاسر فضا اتفاق می‌افتد ؛ ۲) بازنمایی مفاهیم فضایی فضا، دانش و گفتمان ایجاد شده توسط معمارها، دانشمندان، برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان که معانی یا امکاناتی را برای اعمال فضایی پیشنهاد می‌کنند؛ ۳) فضای بازنمایی شده که به چنین اعمال مادی اجازه می‌دهند تا فهمیده و درک شوند. لوفور مدعی است که بورژوازی و مخلوق سیاسی آن یعنی حکومت، فضای شهری را تولید کرده و سپس از آن به عنوان مهم‌ترین سلاح ایدئولوژیک قدرت استفاده کرده است (Jacobs , 2008, 26).

«بوردیو» نظام اجتماعی را یک نظام نمادین می‌نامد که سیستم‌هایی از ساختار ذهنی، سیستم‌های طبقاتی یا اصول سلسله مراتبی هستند. این نظام نمادین کارکرد سیاسی خودشان را به انجام می‌رسانند، همانند ابزاری که کمک می‌کند مطمئن شویم که یک طبقه بر طبقات دیگر از طریق بدست آوردن قدرت متمایز خودشان مسلط است (خشونت نمادین) و تضمین‌کننده روابط قدرتی است که آنها زمینه‌سازی کرده‌اند (Geciene , 2002, 118).

کیم داوی، در کتاب «قاب‌بندی مکان: میانجی‌گری قدرت در فرم ساخته شده» تاثیر ابعاد عمده رفتار اجتماعی را بر معماری مطرح کرده است. وی در این کتاب به این موضوع پرداخته است که چگونه فرم‌های ساخته شده معماری به عنوان واسطه‌هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند و چگونه زندگی ما در اتاق‌ها، ساختمان‌ها، خیابان‌ها و شهرهایی که در آن ساکن هستیم، شکل می‌گیرد (Dovey, 2002, 19).

همواره تمایل قوی برای نشان دادن و اعمال قدرت روی مردم و چشم‌اندازها وجود دارد. این تمایل در هر سیستم سیاسی وجود دارد. قدرت عملا برای تاثیر روی جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد که مادی شده و قابل دید گردد، به‌طوری که هیچ شخصی در اینکه چه کسی قدرت را در دست دارد، تردید نکند (Czepczyński, 2010, 69).

حکمرانی و فرمانروایی بر چشم‌انداز در هر دو بخش فرم‌ها و کارکرد و به‌ویژه معانی و مفاهیم یکی از اولویت‌های قدرت است. نیاز حکمرانان به‌نشان‌دادن حقوق، قدرت، کنترل و به‌همان اندازه برتری و امتیازاتشان، برجسته است و به‌طورمعمول در پروژه‌های آنان این‌نیاز برطرف می‌شود. حک‌کردن و کنترل–مکان‌ها درون‌قلمرو برای تسلط و سلطه انجام می‌شود (Czepczyński ,47,2008)

در اینجا هدف عمده سیاست و بازیگران سیاسی در فضای شهر تسلط بر مکانیسم‌ها و ابزار تولید و خلق معانی می‌باشد که هدف غایی آن تعیین هویت فضای شهری در جهت کسب و حفظ منافع و مشروعیت حکمرانی و تعیین کاربری فضا است. اهمیت نیاز به دیده‌شدن در فضای شهر که برای مشروعیت وجودش و توجیه نحوه عملکردش و تسهیل در اعمال قدرت و اداره جامعه ضروری می‌باشد در نمودار ۱ نشان داده شده است.

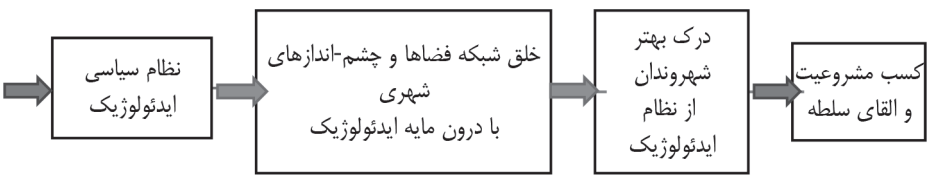

نمودار ۱. رابطه نظام سیاسی ایدئولوژیک و خلق فضای‌شهری؛ ماخذ: خوجم لی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

مدل مفهومی پژوهش

از لحاظ چارچوب مفهومی، مفهوم ژئوپلتیک منظر شهر به بحث قدرت و سیاست در فضای شهر می‌پردازد (نمودار ۲).

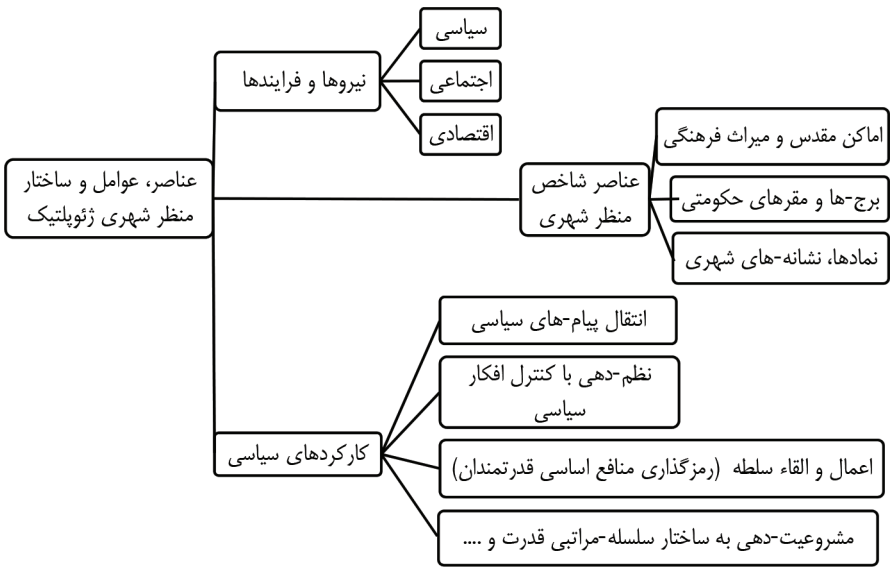

نمودار ۲. عناصر و ساختار منظر شهری ژئوپلیتیک؛ ماخذ: نگارندگان

در این رویکرد ماهیت چشم‌انداز تنها یک منظره خنثی نبوده و همانند یک متن قابل خوانش است و دارای معانی هدفدار می‌باشد و از خاصیت ابزاری- رسانه‌ای برخوردار است. همچنین به نیروها و عوامل متنوعی چون بازیگران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و گفتمان‌هایشان می‌پردازد که در سطوح مختلف در شکل‌گیری منظر شهری دخالت دارند و طیف وسیعی از عوامل و عناصر را شامل می‌گردد. به انواع مختلف نشانه‌ها و نمادهای حاضر در منظرهای شهری چون میدان‌ها، بناها، مقابر و برج‌های یادبود، مجسمه‌ها و آیکونها و نقاشی‌های دیواری میپردازد که چگونه توسط بازیگران شهری و سیاستمداران در راستای اهداف آنها ساخته شده یا حذف می‌شوند و از کارکردهای وسیع سیاسی برخوردار می‌باشند (ماخذ: خوجم لی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

سوال تحقیق: بر اساس این مدل مفهومی، سوال اینجاست که میدان علاوه بر کارکرد ورودی و جلوخان کاخ صفوی، متضمن چه مفاهیمی در ارتباط با گفتمان قدرت است؟

مروری تاریخی، باغ‌ها در تعامل با اقامتگاه‌های شاهی

اولین مدارکی که دال بر برپایی باغ‌ها با کارکرد نمادین می‌باشد، مدارک مربوط به باغ‌های آیینی در سرزمین سومر است. متون اساطیری و مذهبی آن دوران تاییدی است بر اهمیت باغها برای برپایی برخی از مراسم آیینی. به تصور بین‌النهرینی‌ها، خدایانشان بی‌میل نبودند که در کوشک‌های مهیا شده در این نوع باغ‌ها، به تفرج بپردازند، این باغ‌ها باغ‌های معابد نام داشتند. در قرون بعد از آن کاخ- باغ‌های بابل نشان از از برپایی باغ به مثابه تفرج‌گاهای سلطنتی بوده‌اند. متون مربوط به آشور میانه نیز از توجه شاه به باغ‌ها و باغداری حکایت دارند. بنا بر نظر استروناخ این باغ‌ها به عنوان خلوتگاه مورد علاقه شاه توصیف شده‌اند. همچنین می‌توان به باغهای شاهانه‌ای اشاره کرد که یکی از وجوه مشخصه اورشلیم در اوایل هزاره اول ق.م بودند و یا باغهای شاهانه‌ای که آشوریان در سرزمین اورارتو دیدند (استروناخ، ۱۳۸۲، صص ۵۵-۵۶). در سالهای حکومت سارگن و جانشینان او بود که آشوریان، نقش مهم خود را به عنوان پدید آورندگان بی‌رقیب باغهای یادمانی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

در خـاور نزدیـک، بـه دسـت آوردنـد. سـارگن در متـون خـود، بلافاصلـه پـس از اشـاره بـه نـام شـهر جدیـد خویش(خـرس آبـاد)، بـه «درختسـتانی» اشـاره می‌کنـد که در گوشـه‌ای از شـهر ایجاد شـده اسـت. تصویـر ایـن تفرجگاه بـرون شـهری در یکی از نقـش برجسـته‌های آشـوری، بـه چشـم می‌خورد کـه یـک نیایشـگاه محصور را بـالای تپـه‌ای احتمالاً مصنوعـی و پردرخـت، نشـان می‌دهـد. درکنـار تپه، کوشـکی بـا ایوانـی سـتوندار در کنـار مجـرای آب دیـده می‌شـود. در راسـتای تحـولات و پیشـرفتهای بـه دسـت آمـده از دوره سـلطنت سـارگن دوم بـه بعـد اسـت کـه در کتیبه‌هـای آشـوری، واژه قدیمـی بـاغ «کیـرو» ، جـای خـود را بـه اصطـلاح جدیـد «کیریماهـو» می‌دهـد تـا نـوع جدیـدی از تفرجگاه سـلطنتی یـا باغـی را کـه بـا کاخ مرتبـط اسـت، توصیـف کنـد. ایـن نـوع بـاغ در اواخـر قرن هشـتم ق.م اهمیـت زیـادی یافـت و عـلاوه بـر ایـن، چنـد سـال بعـد، برخـی کتیبه‌هـا بـه نوعـی سـازه اشـاره می‌کننـد کـه «بیتانـو» یـا خانـه کوچـک خوانـده می‌شـود و احتمـالاً نوعـی آلاچیـق کوچـک واقـع در بـاغ یـا خانـه ییلاقـی بـوده اسـت کـه تصویر آن در تفرجـگاه سـلطنتی سـارگن بـه چشـم می‌خورد. آنچـه در ایـن متـون یـا تصاویـر نقـش شـده حائـز اهمیت اسـت، وقوف سـارگن و جانشـینان او بر باغ بـه عنوان «نماد والای سـلطنت» و مکمـل قراردادن کوشـک بـرای بـاغ می‌باشـد. در دوره هخامنشـیان، کـوروش نیـز در جریـان برپایـی پایتخـت یادمانـی، باغـی را در برنامـه سـاختمانی خـود گنجانـد. اگـر باغ‌هـای سـلطنتی آشـور و بابـل، همـواره بـه عنوان بخشـی مجـزا یا مکمل بـرای کاخ بوده‌انـد، کاخهای کـوروش بـا ایوانهـای طویـل و فضـای بـاز اطـراف خـود، بـه عنوان بخـش مکمل طـرح بـه کار رفته‌اند تـا ایـن بار، خود بـاغ به صـورت اقامتگاه [نـه صرفاً تفـرج‌گاه] سـلطنتی، در-می‌آیـد. کـوروش بـرآن بـود کـه بـاغ مظهـر پیونـد و رابطـه بیـن «آیین‌هـای سـرزمینی» و «سـلطنت» باشـد. او ضمـن ایجـاد باغ اندرونـی همـراه بـا کاخ (کوشـک) اصلـی و بناهای مجاور، اورنگ و تخت سـلطنتی خود را در قسـمت سـنگی ایـوان طویل کاخ قـرارداده کـه درعین حال، از محـور بـاغ اندرونـی نیـز پیـروی می‌کنـد. دراین راسـتا، همچنیـن، کوشـش شـده کـه کاخ، از چشـم انـداز مرکـزی بـاغ، هرچـه بیشـتر بهره‌منـد باشـد (همـان، صـص ۵۹-۶۲). پـس از اسـلام، باغسـازی ایرانـی در ادامـه سـنت باغسـازی کـوروش تکامـل یافتنـد. قدیمی‌تریـن توصیـف از چهـار بـاغ و نحوه طرح‌ریـزی آن در کتـاب «ارشـاد الزراعه» ابوالقاسـم یوسـف هـروی مربـوط بـه قـرن نهـم ه.ق. اسـت (هـروی، ۱۳۴۶، صـص۲-۲۸۱). تیموریان این طرح را ماننـد بسـیاری از جلوه‌هـای حیـات فرهنگـی و هنـری ایـران رایـج کردنـد و ایـن چنیـن اصطـلاح چهاربـاغ را متداول کردند (اوا سـابتنلی، ۱۳۸۷، ص ۲۰). «ویلبـر» در کتـاب خـود بیـان داشـته باغ‌هـای شـاهی در سـمرقند و هـرات تاثیـر و نفـوذ فراوانـی در هنـر باغسـازی در سـایر مناطـق و همچنین ادوار بعـدی داشـته‌اند (ویلبـر، ۱۳۸۴، ص ۷۱). اصـلاح بـاغ، بـه صورتی کـه در منابـع تیموری بـه کار رفته، اغلـب بـه املاک مشـجر مجللـی اطلاق می‌شـود که شـاهزادگان تیمـوری و دیگـر اشـخاص متمکـن بـه صـورت اقامتـگاه خـود از آنهـا اسـتفاده می‌کردنـد (ویلبـر و همـکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۳۹). بـاغ دلگشـا، بـاغ شـمال، گل بـاغ، بـاغ نو، بـاغ میدان، بـاغ چنار، بـاغ نقش-جهـان، بـاغ بلنـد و بـاغ جهان‌نمـا، بـاغ دولـدی، بـاغ نـوروزی و محمـد تورخـان مربوط به ایـن زمـان اسـت (ویلبـر ۱۳۸۴، ص۲۴۰). بنـا بـر توصیفـات «کلاویخـو» ایـن باغهـا فضاهـای مشـجر و مشـتمل بـر کاخ‌هـا و کوشـک‌ها و خیابان‌هـا و جوی‌هـا بودنـد. تیمـور در اطـراف سـمرقند بـه عنـوان پایتخـت خـود حلقـه‌ای از باغ‌های سـلطنتی احـداث کـرد. ولـی ایـن باغهـا در نظـام هندسـی کـه شـهر را تعریـف کنـد و سیسـتم ارتباطـات منظمـی داشته-باشـد، تعریـف نشـده‌بود (انصـاری، ۱۳۷۸، ص۱۷۰) و تفـاوت عمـده آن بـا باغسـازی صفویـان در این اسـت کـه هیچ طرح جامـع کلی در پـلان قرون وسـطایی سـمرقند دیـده نمی‌شـود. اگر چـه تک‌تـک باغ‌هـا بـه سـبک هندسـی بـاغ ایرانـی طراحـی شـده بودنـد، امـا ارتبـاط آنها بـا یکدیگر و بـا مجمـوع شـهر کامـلا اتفاقـی شکل-گرفته‌اسـت. ایـن درحالی‌اسـت کـه در دوره صفـوی باغ‌هـا خود در طـرح توسعه‌شـهری و به‌عنـوان مدولـی بـرای توسـعه شـهرنو در جوار شـهرکهن نقش اساسی ایفا می‌نمودنـد. صفویـان درجریـان برپایـی پایتخت‌های خـود در شـهرهای تبریـز، قزویـن و اصفهـان، از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

میدان وخیابان به‌عنوان فضاهای جدید شهری به‌عنوان جلوخان اقامتگاهها یا باغ‌های‌سلطنتی استفاده نمودند. برپایی فضای‌عمومی در جوار باغ سلطنتی حائز اهمیت است و در نمونه‌های بررسی شده، سعی‌می‌گردد چرایی همجواری و تعامل آنها را دنبال‌نمود. در این رابطه مطالعه متون تاریخی همزمان با احداث این مجموعه‌های شهری اهمیت ویژه دارد و می‌تواند نحوه نگرش بانیان آنرا روشن‌سازد.

نمونه‌های پژوهش و تحلیل متون تاریخی

مجموعه باغ و میدان صاحب آباد تبریز

مجموعه باغ و میدان صاحب آباد که بقایای آن امروز به نام مجموعه صاحب‌الامر معروف گشته‌است، مدت چهار قرن مرکز حکومت ایران و مقر فرماندهی پادشاهانی چون جهانشاه، اوزون حسن، شاه اسماعیل و شاه طهماسب بوده است. شروع ساخت این مجموعه به دوره آباقاخان (ایلخان مغول) در زمان صدرات شیخ محمدجوینی، وزیرکبیر وی بر می‌گردد. با ساخته‌شدن این مجموعه روند گسترش شهر تبریز به‌سمت شمال رودخانه مهران‌رود کشیده می‌شود. بعدها در دوره جهانشاه دارالحکومه از محله ششگلان به این مجموعه انتقال‌می‌یابد و تا زمان شاه‌طهماسب که پایتخت از تبریز به قزوین انتقال داده‌شد، مقر حکومت صفویان بوده‌است (حناچی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۵).

تصویر ۱. نقشه تبریز از نصوح مطراقچی؛ مأخذ: مطراقچی، ۱۳۷۹

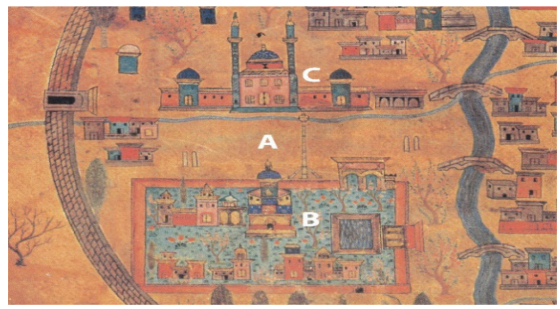

تصویر ۲. مجموعه میدان و باغ سلطنتی (دولتخانه صفوی)؛ مأخذ: مطراقچی، ۱۳۷۹؛ راهنما: (A) میدان صاحب آباد، (B) باغ سلطنتی (دولتخانه شاهی)، (C) مسجد حسن‌پادشاه (مجموعه نصریه).

تصویر ۳. باغ سلطنتی (دولتخانه قدیم) و باغ مزارهای صوفیان در حوالی آن؛ مأخذ: مطراقچی، ۱۳۷۹؛ راهنما: (D) دولتخانه قدیم (باغ بیگم) در محله ششگلان، (E) مقابر عرفا و صوفیان (F) خانه‌های درباریان از جمله بهرام میرزا و یوسف بیگ.

جهانگردان زیادی در دوران مختلف از این باغ و میدان تاریخی دیدار کرده‌اند و نوشته هایی نیز از آنها برجامانده است، ولی تنها دو تن از آنها تصویری کلی از تبریز تهیه‌کرده‌اند که به‌عبارتی قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود از تبریز می‌باشد. یکی از این اسناد مینیاتوری است ترسیم شده از شهر تبریز در دوران حکومت آق‌قویونلوها، که توسط نصوح مطراقچی، در کتاب «بیان منازل» به تصویر کشیده شده–است (مطراقچی، ۱۳۷۹، ص ۹). نقشه مینیاتور مطراقچی تنها سند موجودی است که نحوه قرارگیری و حدود ابعاد باغ و میدان مذکور را نشان‌می‌دهد (تصویر ۱).

مطراقچی شهر را از زاویه شمال غربی می‌نگرد. رودخانه به صورت خطی عمودی با پیچ و خم، و پنج پل روی آن و یک پل در خارج شهر کشیده شده است. در سمت چپ رودخانه که تقریبا ساحل شمالی آن است، میدان بزرگی قرار

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

دارد. میل‌های چوگان و قبق‌اندازی نشان می‌دهد که این میدان(A)، فضایی سلطنتی برای نمایش این مراسم است. به این ترتیب باغ بزرگی که در غرب آن قرار دارد می‌باید باغ سلطنتی باشد (B). در طرف مقابل مطراق‌چی مسجدی را با دو مناره نشان می‌دهد (C) و بناهای دیگری جبهه شمالی میدان را تعریف می‌کنند (تصویر ۲). در شرق این مجموعه باغ، نزدیک دیوار شرقی شهر، باغ بزرگ دیگری است که در جلویش ویرانه برجی قرار گرفته است. این باغ همان دولتخانه قدیم در محله ششکلان است (تصویر ۳). مطراق‌چی شماری از مزارها را به شکل گنبدهای رک که از لابلای درختان دیده می‌شوند(E)، در شمال‌غربی دولت‌خانه قدیم که به باغ بیگم شهرت داشت (D)، نشان‌می-دهد (تصویر ۳).

این مزارها با تکیه‌های دراویش، و مزارهای متعدد دیگری مربوط به بابامزید و پیروانش مطابقت دارد که در امتداد راهی‌است که به گورستان سیدحمزه و مقبره باباحسن می‌رسد (عالمی، ۱۳۹۰، صص ۹۸-۱۰۰). رابطه باغ مزار صوفیان با باغ سلطنتی و در جوار میدان، کارکردی نمادین به میدان می‌بخشد. دیوار شهر به‌صورت نمادین با چهار دروازه گشوده شده‌است و در حول آن درختانی به‌چشم‌می‌خورند. درختان متعدی نیز هسته مرکزی شهر را احاطه‌کرده‌اند. در ساحل جنوبی رودخانه، مزارها و مساجد متعددی با مناره‌هایشان و درختان زیادی پیرامون آنها به چشم می‌خورند. باغ- مزارهای متعددی که در نقشه مطراق‌چی دیده می‌شوند، نشان از اهمیت برپایی باغ‌ها به‌عنوان فضاهای مهم شهری در ارتباط با درویشان و تفکر صوفیه در دوران صفویه در تبریز را نشان‌می‌دهد.

تحلیل متون ادبی و تاریخی در رابطه با تبریز عصر صفوی؛ رابطه باور معنوی و قدرت

بیشتر منابع تنها به باغ‌های سلطنتی و محل آنها اشاره می‌کنند، اما منبع جالبی که روضات الجنان نام دارد و توسط حافظ حسین کربلایی نوشته شده و درباره مزارهای صوفیان، عالمان، حکیمان، وزیران، امیران، شاعران، خوشنویسان و نقاش‌ها می‌باشد، شاهدی بر اهمیت صوفیه در رابطه با سلطنت و باور عمومی است. مهوش عالمی در پژوهش ارزشمندی با مطالعه این منبع همراه با مطالعه متون دیگر فارسی و سفرنامه های‌سیاحان اروپایی، و تطبیق آنها با قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود، علاوه بر مکان‌یابی دقیق ابنیه آن دوران، محل باغ مزارهای دراویش و باغ‌هایی که در تبریز دوران‌صفوی در اطراف کاخ‌ها و یا درحیاط خانه‌ها، کاروان‌سراها و مساجد قرار داشته‌است را نیز مشخص‌کرده است (عالمی، ۱۳۹۰، صص ۹۶-۱۱٤).

علاوه بر «روضات الجنان»، روایت‌هایی در تاریخ‌نامه‌های دوره صفوی وجود دارد، که اهمیت رابطه باور معنوی و برحق بودن قدرت را درآن زمان نشان‌می‌دهد؛ داستانی که در فتح باب تاریخ‌نامه‌ای منصوب به صوفی ناشناس دررابطه با پیش بینی به تخت و تاج رسیدن پادشاه صفوی، شاه اسماعیل نوشته‌شده نیز بیانگر این‌موضوع است: «درویشی در قسطنطنیه به‌نام دادا محمد، به‌یکی از پیروانش که به مکه می‌رفت گفت که وی از آنجا به تبریز خواهدرفت و پیش‌بینی‌کرد که در روز ورود او به‌تبریز یکی‌از فرزندان امامان، شاه خواهدشد، سکه به‌نام او زده‌می‌شود و به‌نام او خطبه خوانده‌خواهدشد و شاه درمیدان چوگان‌بازی خواهدکرد» (مولف گمنام، عالم آرای صفوی، ۱۳٦۳، ص ٤٥).

فتح باب تاریخ‌نامه با چنین پیش‌بینی حاکی از اجتناب‌ناپذیری و بر حق‌بودن قدرت شاه است. میدانی که در پیش‌بینی درویش آمده‌است درنگاره نصوح مطراق‌چی هم با مشخصات میدان چوگان به تصویر کشیده شده است (تصویر ۲). باغ- مزارهای متعددی که در نقشه مطراق‌چی دیده می‌شوند، اهمیت ارتباط درویشان و تفکر صوفیه را در دوران‌صفویه نشان‌می‌دهد (عالمی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

در روایتهای متعددی در «روضات الجنان» اهمیت ساخت ابنیه سلطنتی در جوار باغ‌مزارهای صوفیان تایید می‌گردد، به گفته نویسنده روضات الجنان، زمانی که حسن پادشاه آق قویونلو (۱٤۷۷-۱٤۷۳م) به تخت نشست، بیمار شد و آرزوی خود را مبنی بر ساخت مسجد،خانقاه، زاویه و مقبره‌ایی برای دوستش، درویش قاسم، بر زبان راند. به این

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

ترتیب پس از مرگش این بناها که به «نصریه» معروف شد، درهمان منطقه توسط پسرش یعقوب ساخته شد و در سال ۸۸۸ه.ق (۱۴۸۳م) کاخ «هشت بهشت»را به باغ صاحب آباد اضافه کرد (کربلایی، ۱۳۳۵، جلد۱، ص ۹۱). زمانی که شاه اسماعیل الوند شاه آق قویونلو را شکست داد، در این کاخ تاجگذاری کرد و سلسله شاهان صفوی را در سال ۱۵۰۱م بنیاد نهاد و در میدان صاحب آباد چوگان باخت، همان‌گونه که دادا محمد درویش پیش‌بینی کرده بود.

بنا بر روایت کربلایی، حسن پادشاه، باغ سلطنتی (دولتخانه قدیم) در محله ششکلان را به درویشی به نام عبدالرحمن که با نیروی فراطبیعی خود، به تخت رسیدن او را پیش‌بینی کرده بود هدیه کرد. بابا و پیروانش در آن‌جا دفن شدند (همان، ص۴۷۰) و برج ویرانه مقابل باغ می‌تواند مقبره وی باشد (تصویر ۳). در سنت عرفانی، مقابر، مکان‌های مهمی هستند که جایگاه دیدار با جهان دیگر محسوب می‌شوند. حسن پادشاه بناهای نصریه را پس از آن که بابا فرج، شبی که شاه مقبره‌اش را زیارت می‌کرد بر او ظاهر شد بنا نهاد (همان، ص ۳۸۱).

در توصیفات سیاحان اروپایی نیز به رابطه پادشاه با حلقه صوفیان و احداث باغها در جوار مزارهای صوفیان توسط پادشاهان اشاره شده است. «جملی کاری» به‌یک باغ بزرگ مربع شکلی با انواع درختان اشاره‌می‌کند (کاری، ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳). تاریخ‌نامه‌ها این باغ را با نام باغ زاویه می‌خوانند که توسط حسن‌پادشاه ساخته‌شده و درنزدیکی بازار شتربان قرار دارد و در پشت آن مقبره پیر رومی واقع شده که مزار صوفی‌ای از سرزمین عثمانی است. درختان میوه‌ایی که توسط مطراق‌چی دراین قسمت ترسیم شده‌اند، باغهای میوه‌ایی است که این مقبره‌ها در میان آنها واقع شده است. «میکائیل ممبره» به خانه بهرام میرزا، برادر شاه طهماسب، درشرق میدان اشاره می‌کند که می‌توان در نقشه مطراق‌چی (تصویر ۳) آن را در گروه خانه‌هایی دانست که نزدیک بنای گنبدی واقع شده‌اند (F). گفته‌می‌شود بهرام میرزا پس از خوابی که دیده بود، به مرمت این مسجد دست یازیده است (عالمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

توصیفات زیادی هستند که میدان تبریز را بعنوان فضایی سلطنتی برای نمایش قدرت نشان می‌دهد. بنا بر قول فرانچسکو رومانو، شاه اسماعیل در سال ۹۰۶ه.ق یا ۱۵۰۱م عمارت هشت‌بهشت تاجگذاری و شاه در حضور سه هزار تماشاچی قاپاق‌اندازی می‌کند. او والی گیلان را بین دو مناره مسجد حسن پادشاه آویخت و آتش زد. شاه طهماسب نیز زمانی که همایون برای حمایت نزد او آمد با او به تماشای چوگان در میدان پرداخت (قمی، ۱۳۶۷، ص ۸۵).

در پژوهش دیگری با نام تاثیر مزارات در توسعه ساختار شهر تبریز از دوره ایلخانی تا صفوی، محقق به مکان‌یابی مزارات صوفیان، عرفا، شاعران و حظیره‌ها از طریق متون و اسناد تاریخی همچون روضات الجنان، روضه‌الظهار، اولادالاطهار و منظرالاولیا پرداخته‌است. در واقع زوایا و خانقاه‌ها و باغ مزارهای صوفیان باعث پدیدآمدن فضاهای معماری جدیدی گشته‌است که نقش مهمی در توسعه شهر تبریز در دوره حکومت ایلخانان، آق قویونلوها و پس از آن صفویان داشته‌اند. تجمع حظیره‌ها و آرامگاههای عرفا و صوفیان منجر به شکل‌گیری گورستانهای معروفی همچون سرخاب، گجیل و چرنداب شده‌اند (بلیلان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۵).

درواقع گورستان‌سرخاب، سیدحمزه، مقبره باباحسن، مقبره بابامزید نیزهمان‌مکانی‌است که باغ‌های‌سلطنتی و دولتخانه‌های شاهی درجوار آنها شکل‌گرفته‌اند و نشان‌دهنده اهمیت رابطه سلطنت و باورصوفیان است.

مجموع میدان و دولتخانه قزوین (باغ سعادت آباد)

مطالعه چگونگی توسعه شهر قزوین، به‌عنوان نمادی از سیاستهای شهری شاهان‌صفوی در برپا کردن دولتخانه درشهرها، اهمیتی ویژه دارد و از طریق آن می‌توان به‌مطالعه رابطه بین باغهای شاهی و شکل-شهری پرداخت و چگونگی اعمال مولفه‌های قدرت برساختار توسعه شهر بررسی‌نمود. در سال ۹۵۱ ق، شاه‌طهماسب صفوی برآن می‌شود که پایتخت خود را از تبریز به قزوین انتقال‌دهد. از جملهٔ عوامل این تصمیم پیشرفت عثمانی‌ها تا وان در نزدیکی تبریز بود

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

(ترکمـان، ۱۳۸۲، ص ۹۵) و همچنیـن نقـش مهمـی کـه قزویـن در سیاسـت مذهبـی شـاه داشـت؛ زیـرا قزویـن مرکـز مذهـب تسـنن بـود و هـدف شـاه ترویـج مذهـب شـیعه و سـرکوبی صوفیـان بـود (نویـدی، ۱۹۷٤، ص ۳۰).

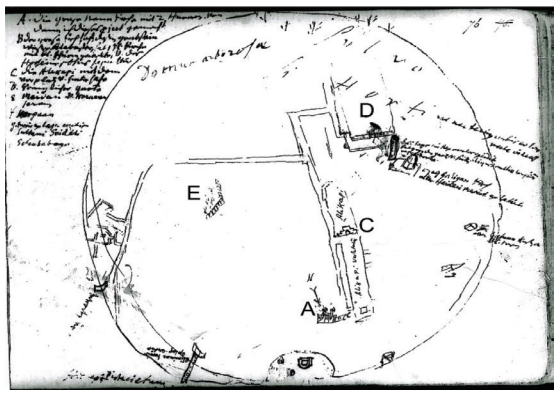

تصویر ٤. نقشه قزوین در سال ١٦٨٤م توسط انگلبرت کمپفر؛ مأخذ: Alemi2005,؛ (A) مسجد جامع کبیر، (B) شاهزاده حسین و قبرستان آن، (C) سردر عالی‌قاپو که جلوخانی در پیش دارد، (D) باغ شاهی و میدان اسب در شمال مسجد حیدریه، (E) میدان سعادت و کاروانسرای مجاور آن. در بخش شمال غربی شهر «خانه‌های مشجر» متعلق به اشراف و در بخش شمال شرقی باغات و درختستان نوشته شده‌است.

به‌دنبـال این‌تصمیـم فعالیتهـای سـاختمانی متعـددی آغازشـدکه سـوای دولتخانـه جدیـد، باغهای‌شـاهی و خانه-هـای امـرا، شـامل مسـاجد، مـدارس، کاروانسـراها، حمامهـا و آب‌انبارهای متعدد بود. بخش طهماسـبی که به-شـهر اضافه‌شـد سـیمای قزویـن را از بن تغییـرداد (Alemi, 2009). قدیمی‌ترین نقشـه قزوین عصرصفوی نقشـه‌ای ازکمپفر اسـت که حـدود شـهر را بصـورت دایـره‌وار نشـان‌می‌دهد.

بنـا بـه نوشـته عبـدی بیـگ، بخـش طهماسـبی «شـهری انـدر جنب قزوین بـود» که به «دارالسـلطنه جعفرآبـاد» موسوم‌شـد. شـاه زمیـن دولتخانـه را کـه در زنگـی آبـاد در شـمال قزویـن سـلجوقی بـود، از میـرزا شـرف جهـان پسـر نورالهـادی قاضی‌جهـان وزیـر خـود خریداری‌کـرد. وی مهندسان‌دانشـور و بنایـان صاحـب هنـر ممالـک محروسـه را بـدان جا طلب‌نمـوده، طـرح باغی‌مربـع فرمـود موسـوم بـه باغ‌سـعادت و در میـان آن بـاغ، عمـارات عالـی و تالارهـای متعالـی و ایوانها و حوضهـا طرح انداخت و دروازۀ آن‌را بـه غایـت مرتفـع و عالـی بنـا نهـاده و عرصـۀ بـاغ را بـه طریـق هندسـه بـه گذرهـای مربـع و چمنهـای مثلـث و مسـدس بخش‌کـرده، در میـان خیابـان آن نهـری عظیـم جـاری گردانید و درحواشـی آن اشـجار چنار و سـفیدار نشـانده و در مربعهـای اطرافـش اشـجار گل و یاسـمن و ارغـوان و نـارون و سـایر درختـان میـوه‌دار آراسـت (قمـی، ۱۳٦۷، ص۳۱۲).

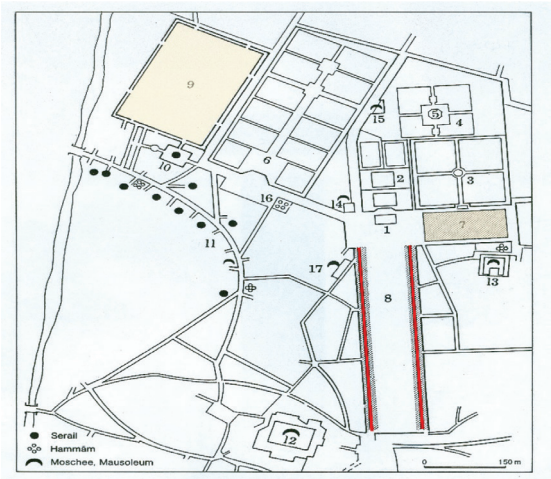

تصویر ۵. نقشه بازسازی مجموعه سعادت‌آباد قزوین؛ مأخذ: Wirth,۱۹۹۷؛ ۱- عالیقاپو یا درگاه دولتخانه، ۲- دیوان‌خانه، ۳- عمارت اندرونی و باغچه‌حرم، ٤- دولتخانه، ٥-کاخ‌چهل‌ستون، ٦-کاخها و باغهای درباریان، ۷- میدان‌اسب، ۸- خیابان، ۹- میدان‌سعادت، ۱۰- کاروانسرای‌شاهی، ۱۱- بازارقدیم، ۱۲- مسجدشاه یا مسجدجامع، ۱۳- مسجدحیدریه، ١٤- مسجدپنجه‌علی، ١٥-امامزاده پیغمبریه، ١٦-حمام‌حاج‌کریم، ۱۷- امامزاده اسماعیل

اویگـن ویـرت (Wirth, 1997) طـرح بازسـازی بخـش طهماسـبی را بصـورت نقشـه‌ای ارائه‌کـرده اسـت کـه شـامل دولتخانـه، باغـات و خانه‌هـای درباریـان، مسـجد و بـازار اسـت. ایـن عناصـر پیرامـون فضاهـای شـهری خیابـان (شـماره ۸) و دو میـدان (شـماره ۷ و ۹) سـازمان یافته‌انـد (تصویـر ٥).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

تحلیل متون ادبی و رویکرد استعاری آنها در بیان مشروعیت قدرت شاه؛ توصیف باغ شاهی به مثابه عالم صغیر

طولانی ترین توصیف موجود از باغ شهر ساخته شده توسط شاه طهماسب ، خمسه ای است به قلم عبدی بیگ ملقب به نویدی در وصف باغ هایی که شاه طهماسب در قزوین ساخت. این منبع تاریخی مهمترین منبع ادبی درجه اول است که سراسر استعاراتی ادبی مبنی بر مشروعیت قدرت و سلطنت شاه صوفی همچون سایه خدا بر زمین است. نویدی در یکی از نخستین اشعارش، اقدامات اسکندر بزرگ را توصیف کرده و از جمله در باب اهمیت صلح و ایجاد شهرها و بناها تاکید می‌کند. تاکید شاعر بر این مضامین با حملات متعدد عثمانی‌ها به تبریز و تصمیم شاه برای انتقال پایتخت به قزوین در سال ۹۵۳ ه.ق (۱۵٤۷م) مرتبط بود. همچنین گزینش پایتختی امن از هدف شاه طهماسب در گسترش مذهب شیعه بود، چرا که قزوین در آن زمان شهری کاملا سنی مذهب محسوب می‌شد. بخش الحاق شده به قزوین، بناها و باغ‌های اقامتگاه شاه و درباریانش بود. این باغستان به جعفرآباد موسوم گشت (Alemi, 2009).

نویدی در وصف آن خمسه‌ایی به نام جنات عدن سرود که در سال ۹۵۱ه.ق./۱۵٤٤م پایان یافت.

به نام آن شهر عالی جعفر آباد- که شاه جعفری افکنده بنیاد (نویدی، ۱۹۷٤، ص ۹۹). نویدی در توصیف باغها از اسامی متعدد بهره می‌گیرد. در توصیف باغ‌های سلطنتی از واژه‌های و صفات متفاوتی مثل روضه، بوستان، گلشن و گلزار، گلستان و فردوس بهره می‌جوید. به نظرمی‌رسد استفاده از این واژگان بازتابی است از دیدگاههای متفاوتی که به باغ نگریسته می‌شود. در توصیف او از باغهای شاهی می‌توان پی برد؛ شاعر ورای کالبد دقیق فیزیکی به باغ می‌نگرد و با طرح آن از دیدگاه استعاری برخورد می‌کند و سعی شاعر فراتر از توضیح طرح باغ، یکسره بر آن است که باغ را به مثابه عالم صغیر و شاه را سایه ای از خدا در این عالم معرفی کند. او سطح باغ را به مثابه صفحه کتاب شعر می‌آورد و واژه جدول را به معنای جوی‌های باغ و جدول زینت بخش حاشیه کتاب و شاه را خالق آن می‌آورد.

صفحه نظمی‌ست بسی دلپسند- ناظم آن طبع شه ارجمند

جدول این صفحه فرخنده فال- چار طرف جوی پر آب زلال (همان، ص۳۵).

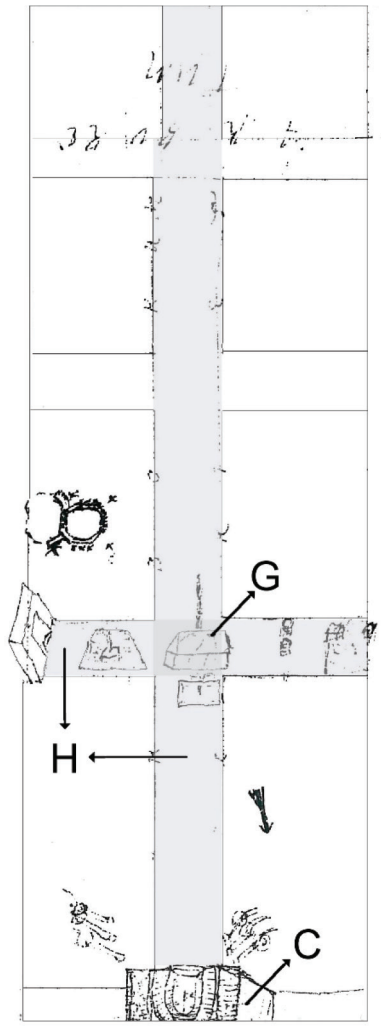

تصویر ٦. نقشه‌خیابان‌باغ پشت‌عالی‌قاپوی‌قزوین (C)، عمارت‌شروانی‌سرای (G) در محل تقاطع دو خیابان عمود بر هم (H)؛ ترسیم انگلبرت کمپفر؛ مأخذ: Alemi2005,

نقشه انگلبرت کمپفر، از باغ سلطنتی «پشت عای‌قاپو» (تصویر ٦)، خیابانی را نشان می‌دهد که از سردر عایقاپو تا عمارتی با حوض‌ها و فواره‌هایش ادامه دارد؛ خیابانی شرقی- غربی عمود بر آن هم در سمت غرب به درگاهی رفیع

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

می‌رسد. خیابان اصلی به سمت شمال امتداد یافته است، ولی بر خلاف آنچه نویدی می‌نویسد، خیابانی درحاشیه باغ در نقشه وی دیده نمی‌شود. در اینجا نیز نویدی با رویکردی استعاری به باغ نگریسته و خیابان متصور در ذهن او در حاشیه باغ همچون حاشیه‌ای در کتاب شعر بیان می‌کند.

آمده از خلد بساطی بسیط- بر وی از اطراف خیابان محیط

شکل خیابان ز یمین و یسار- حاشیه‌اش گشته به نقش و نگار (همان)

او خیابان‌های اصلی که در نقشه کمپفر دیده می‌شود، (تصویر٦) را چنین توصیف می‌کند:

عرصه این روضه عشرت مدار- تخته نردیست به نقش و نگار

گشته دو سطح متقاطع دو چار- چار خیابان ز دو سطح آشکار (همان)

پیداست شاعر این سطوح را عمود بر سطح زمین متصور کرده است و در تقاطع این دو خیابان به قائمه تاکی اشاره می‌کند:

در وسط باغ به وضعی سعید- گشته یکی سطح مربع پدید

قائمه‌تاکی‌سرافراخته- سایه به هر کنج وی انداخته (همان،ص٣٦)

او در توصیف خانه شاهی ((Gیا ارشی خانه از واژه چهار سوی بهره می‌گیرد. بنایی با طرح چهار ایوانی که فضای مرکزی آن با چهارایوان به‌سوی باغ باز شده و با گنبدی پوشیده شده. معنای واژه چهار سوی به معنای چهارجهت است، ولی این عبارت مفهوم مهمی را در بردارد که سیستم جهت‌ها و مرکزی که از آن ناشی می‌شود را تعریف می‌کند. جهت‌های چهار سوی به جهت‌های اصلی، که بر سطح افقی قرار دارند، محدود نمی‌شود و باید به محور عمودی در تقاطع دو سطح توجه کرد. نویدی ابتدا بر این جهت (محور عمود بر سطح زمین) با وصف قائمه تاک در گوشه‌های حوض مربع، در تقاطع دو خیابان اصلی اشاره می‌کند و سپس در وصف ارشی‌خانه بر آن تاکید می‌کند.

حوض مربع که در این خانه است- مرکز این خانه شاهانه است

چار ستون نصب بر اطراف حوض- عکس نما در دل شفاف حوض

نورفشان بام ز گل‌جام وی- روی نما مهر و مه از بام وی (همان، ص٣٦)

صورت این ستونها در دل روشن حوض منعکس شده و نور از دوازده روزن گل‌جامش، که دوازده برج آسمان را فرا میخوانند، فرو می‌ریزد:

از ده و دو پنجره‌اش روشنی- بر ده و دو برج فلک مبتنی

بر سر هر پنجره جامی چو مهر- سر خوش از آن جام شده نه سپهر

سقف و کنارش همه پر نقش و زیب- حوض ز عکس‌اش شده مانی فریب (همان، ص ٣٧)

بدین سان حوض آیینه‌ای می‌شود که بازتابی است از عالم وجود و محور عمودی که از حوض زمینی شروع می‌شود به عالم بالا می‌رسد:

راست رهی از پی کسب و کمال- آمده از قبله به حد شمال

تا به سر حوض خطی مستقیم- کرده به عرضش خط دیگر دو نیم

گشته خیابان دگر زان میان- از حد مغرب سوی مشرق کشان (همان، ص ٣٦).

«قبله» همان جهتی است که مسلمانان به سوی آن نماز می‌گذارند و برای صوفی «حد شمال»، عالم ملکوت است. این همان عالم خیال است که صوفی قلبش را به سوی آن می‌گشاید. «شرق» جایگاه علم کامل و جایگاه چهارده معصوم است. آنها تجلی اسماء حسنی هستند و از طریق آنها می‌توان خدا را شناخت (کربن، ١٣٩١). راه رسیدن به آنها همان محور عمود رو به بالاست.

چهارده باغ در شرق خانه شاه به نام‌های امیران دربار را ذکر می‌کند و دوباره آنرا انعکاسی از شمار چهارده معصوم عالم ملکوت می‌بینند. همچنین وجود نه باغ در غرب ارشی خانه را انعکاسی از نه سیاره فلکی می‌داند.

چو افلاکش بود نه باغ معمور- همه با نام سرکارانش مشهور

نخستین روضه بهرام میرزاست- که از انواع گل‌ها عالم‌آراست (نویدی، ١٩٧٤، ص ٥٠).

جهان خاکی یا جهان ادراکات حسی در دستگاهی پایین‌تر، عالم ملکوت را تکرار می‌کند و ورای آن عالم جبروت است که موضوع «معقولات» است (کربن، ١٣٩١). نظم باغ شاهی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

بنـا بـر مرکـز چهـار سـوی تعییـن شـده اسـت، و آن بلندتریـن مـکان در نظـم چیزهایـی خاکـی اسـت، یعنـی جایـگاه شـاه. اهمیـت فلسـفی آیینـه، چهـار سـوی و ذکـر اعـداد مقـدس، همگی به باغ بـه عنوان عالـم صغیـر هسـتی اشـاره می‌کنـد. بـه ایـن صورت شـاه می‌توانـد در مرکـز جهان نشسـته و بـر وضعیت وجـودی جهت‌هـای آن مسـلط باشـد. بنابرایـن بـاغ موید آن اسـت کـه شـاه سـایه خداسـت. میـدان نیز صحنه‌ایسـت بـرای اسـب‌دوانی و چوگان‌بـازی، برافراشـتن چـادر کوچ‌نشـینان و گـذری اسـت برای ورود بـه بـاغ شـاهی، مسـجد جمعـه و بـازار نـو. نویـدی گردشـی همـراه با شـاه را در داخـل باغ حرم وصـف می‌کنـد کـه بـه درگاه کنـار ایـن میـدان ختم می‌شـود و از بـالای آن، او و شـاه می‌توانسـتند از غـرب تـا شـرق را نظـر کننـد و رمزهای آسـمان نهم را دریابنـد. ایـن میدان به نام میدان اسـب (شـماره ۱) در مقابـل بـاغ شـاهی و شـمال مسـجد حیدریـه قرار دارد و جهتـی شـرقی- غربـی دارد (تصویـر ۵).

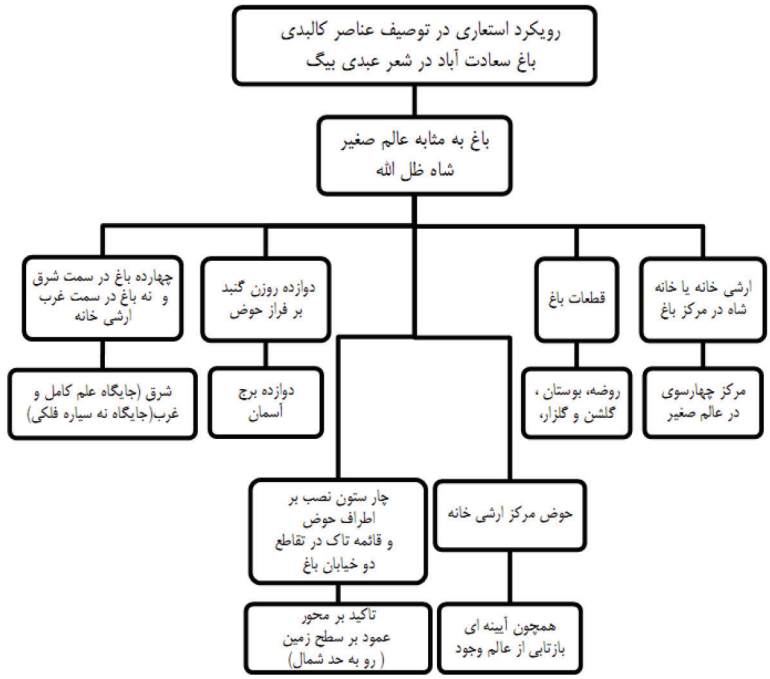

نمودار ۳. رویکرد استعاری در توصیف عناصر کالبدی باغ سعادت آباد در شعر عبدی‌بیگ؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس توصیفات عبدی بیگ.

نویـدی میـدان جدیـد، یعنی میدان سـعادت را که در غرب باغ شـاهی و در جنوب شـرقی آن بازار بود و مراسـمی کـه در آنجا برپا شـد را توصیـف می‌کند. ماجـرای خوشـامدگویی سـلطان بایزید و جشـن برپا شـده بـرای او در میـدان و همچنیـن داسـتان آمـدن شـاهزاده روم و برپـا کـردن خیمـه و بـارگاه مصـور منقـوش و شـاه سـخاوتمندی را توصیـف می‌کند که شـاهزاده‌ای بر پـای او می‌افتد و شـاه او را در آغوش می‌کشـد. بـه ایـن ترتیـب میـدان عرصه اسـت جهت نمایـش قدرت شـاه. ایـن میدان (شـماره ۹) در غرب عالی‌قاپـو بـود و دسترسـی بـه بـازار و بـاغ شـاهی داشـت (تصویر ۵).

میدان و دولتخانه صفوی در اصفهان، سیطره نمادین حضور شاه

محققیـن بسـیاری تا به حـال سـعی در خوانش طرح میـدان و دولت‌خانـه صفـوی در اصفهـان داشـته‌اند. گویـی آنـدره گدار نخسـتین محقـق اروپایـی بود که

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

کوشید انگیزه‌ها و ذهنیتی را که در پس طرح‌های ساختمانی شاه عباس بود را تبیین کند. او به‌این نتیجه رسید که دو برنامه ساخت و ساز جداگانه در کار بوده است. او مرحله اول را مرحله عملیات تاسیس یعنی کارهای لازم برای انتخاب اصفهان به پایتختی شامل دولت-خانه و محوطه میدان و تفرجگاه شاهی می‌داند و مرحله دوم را مرحله شکوه می‌نامد که شامل اجرای طرح‌هایی چون مسجدشاه که به نظر او برای تجلیل حکومت صفوی در زمان شاه عباس لازم بود می-داند (مک چسنی، ۱۳۸۵، ص ٤٧).

اوژینو گالدیری نیز بر مبنای شواهد باستان شناختی به این نتیجه رسیده که میدان در دو مرحله جداگانه ساخته شده است. در مرحله نخست (۱۰۱۳-۱۰۰۸ه.ق.)، دیوار پیرامون میدان را به بلندی یک اشکوب برافراشتند. در پس این دیوار، حجره‌هایی بود متصل به نمای بیرونی و رو به بازار پشت میدان. درون دیوار خالی بود. بعدا در مرحله دوم احداث (قبل از ۱۰۲٦ق)، حجره‌های رو به میدان را در درون دیوار افزودند (گالدیری، ۱۳٦۱، ص۱۰٤). او معتقد است معماری دوره صفوی دارای خصلت نمایشی می-باشد. نقاط گریز طاق نما و دهانه متقاطع طاقها و انعکاس دیوارها در سطوح آب، تمام این عوامل، فضایی را بوجود می‌آورد که نمی‌توان بطور آزاد در آن حرکت کرد، بلکه حرکات تنها طبق یک نقشه مشخص شده‌ای انجام می‌گیرد. از این مفاهیم نمایشی که بیننده به جای پرسپکتیوهای مشخص و اجباری می‌تواند آنچه را که برای او به معرض نمایش گذاشته شده، کشف نماید، میدان بدون شک موفق‌ترین و کاملترین تجربه در این مورد بحساب می‌آید. میدان معرف و بیانگر «اصفهان جدید» شهر شاه عباس است. مهمانان پس از ورود به اصفهان در یکی از سه‌کاروانسرای‌شاهی که در اطراف میدان قراردارد سکنی می‌گزیدند. هر سه این کاروانسراها در ضلع شمال غربی متمرکز شده‌اند و از سر درب بازار شاهی بوده که خارجیان اولین بار به مشاهده شهر صفوی موفق می‌شدند. بنابراین شاه موقعیت خوبی برای ارائه و گسترش بیشتر پرسپکتیو در دست‌داشته. با ایجاد این نظام معماری ساده و مؤثر است که میدان طولانی‌تر به‌نظر می‌آید و محور دید میدان به‌عقب کشانده می‌شود؛ یعنی محورعالی‌قاپو و مسجد شیخ‌لطف‌الله به‌عقب برده‌شده تا در نگاه بیننده از سردر بازار میدان طولانی‌تر جلوه‌کند (همان، صص ۱۰۵-۱۰۷).

توصیفاتی که در متون تاریخی در ذکر وقایع و چگونگی حضور شاه در میدان است، نیز مبین اهمیت کارکرد نمایش قدرت در میدان می‌باشد و می‌توان پی برد که شکوه میدان مهمترین مساله مورد توجه شاه عباس بوده است: «و اول ماه ربیع الاول سنه اثنی والف، پانزده هزار پیاده مقرر به دستور معهود، از موضع دولت آباد تا دروازه طوقچی دو رویه، به ترتیبی که قرار یافته بود، درصف بازداشتند و نواب کامیاب را میل شد که بار دیگر سان پیاده‌ها بگیرد و آن جماعت لباس الوان مجدد بهم رسانیده در میدان مجتمع گردیدند و نواب امر فرمود که تمامی به میدان، در باغ نقش جهان آیند و به ترتیبی که مقرر بود صف کشند. پس از آن نواب معلی جناب از دولتخانه همایون به میدان تشریف آورده، با نواب رکن السلطنه فرهاد خان و بعضی دیگر از خاصان پیاده گرد میدان برآمد. بعد از آن بر بام مدرسه خواجه ملک مستوفی که در مقابل باغ نقش جهان واقع است، برآمده به دولت و اقبال بربساط کامرانی واجلال نشست و تماشای وضع پیاده‌ها کرده ...» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰، صص٥٣٤-٥٣٩). در جایی دیگر در ذکر کیفیت آذین‌بندی و چراغان در سنه۱۰۰٤ه.ق. به مراسم باشکوهی درمیدان و مقدمات آن توسط الپان بیگ اشاره شده: «به جهت آن تمامی دیوارها و بناهای عماراتی که برحواشی میدان است، پست و بلند آن را مساوی ساخته وسفید کرده، نقاشان بهزاد قلم و مصوران صورت نگار مانی‌رقم، صور جمیع مخلوقات عجیبه و موجودات غریبه برآن نقش‌کردند». اجرت استادان و مهندسان و مخترعان و خرج پانزده هزار پیاده که هر نفر را سوای یراق و لباس یک تومان خرجی داده‌بودند، به قریب بیست‌هزار تومان ذکر شده‌است. (همان، صص٥٧٣-٥٧٩).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

تصویر ۷. نقشه محوطه دولت‌خانه و سردرهای سلطنتی در غرب میدان؛ مأخذ: برینیولی، ۱۳۸۵، ص ٦٢.

مطالعه متون تاریخی نشان می‌دهد؛ میدان و خیابان، هر دو تحت سیطره نمادین حضور شاه‌اند. میدان شاه به همان اندازه که مکانی عمومی بود، نقش معبر ورودی کاخ (جلوخان کاخ) را نیز ایفا می‌کرد. شاه در این میدان و توسط عالی‌قاپو به هنگام برنامه‌هایی چون مسابقات چوگان، اجرای حکام در ملا عام یا جشن‌های مذهبی وارد ارتباط با مردم می‌شد. مجموعه شاهی، علاوه بر عمارت عالی‌قاپو، سردرهای دیگری نیز در جانب غربی میدان داشت: سردرِ مشرف به بازار مسگرها در شمال عالی‌قاپو، سردرِ حرم در جنوب عالی‌قاپو، سردرِ مطبخ شاهی در گوشهٔ جنوب غربی میدان (تصویر ۷). بنابراین تمامی نمای-غربی میدان، نمایی سلطنتی بود. اجر ای مراسم و آیینها در میدان، سیاست شاه برای نمایش قدرتش بود. مراسم چوگان و قبق‌اندازی، چنانکه در شاهنامه توصیف شده، نشانه‌های دلاوری شاه بودند و میدان مکانی برای نمایش دلاوری شاه. همهٔ این مراسم بر «گردش نگاه» میان شاه، ملازمان و رعایایش و مردم عادی استوار بود. میدان مکانی بود برای دیدن و دیده‌شدن. این مراسم وآیینها، همگی ریشه‌ای کهن داشته، مربوط به پادشاهان ایران باستان بودند؛ و اجرای آنها حقانیت پادشاهی را تثبیت می‌کرد.

نتیجه گیری و جمعبندی

مطالعه ریشه‌های نظری رابطه تعاملی قدرت و اعمال کنترل در گفتمان فضا در اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندانی چون فوکو، بوردیو و لوفور نشان داد که چگونه فرم‌های ساخته‌شده معماری به عنوان واسطه‌هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند. از سوی دیگر مطالعه متون تاریخی درجه اول نیز در رابطه با دیدگاه پادشاهان صفوی در احداث میدان و دولت‌خانه‌های آن دوران نشان داد که ایجاد فضای باز و وسیعی همچون میدان، به عنوان یک جلوخان برای باغ سلطنتی، مفهومی مهم را دربردارد. این فضا، علاوه بر عملکردهای نمایش و مراسم بازی، محلی برای تجمع مستقیم سیاسی و نمایش قدرت شاه و مشروعیت و حقانیت سلطنت محسوب می‌شود و احداث آن با استقرار دولت متمرکز و تعریف شدن مفهوم ملت نیز، بی ارتباط نیست. در تبریز دوره صفوی متون تاریخی بیان‌گر اهمیت باغ- مزارها و احداث ابنیه سلطنتی در جوار آن است. همجواری میدان سلطنتی با باغ مزار درویشان موید رابطه باور معنوی و قدرت است و می‌تواند مشروعیت شاه را از طریق الوهیت او تایید کند. توصیفات عبدی بیگ در رابطه با میدان و باغ شاهی در قزوین نیز نشان می‌دهد، شاعر ورای کالبد دقیق فیزیکی به باغ می‌نگرد و با طرح آن‌ها از دیدگاه استعاری برخورد می‌کند و فراتر از توضیح طرح باغ، سعی دارد که باغ را به مثابه عالم صغیر و شاه را سایه‌ای از خدا در این عالم معرفی‌کند. ارشی‌خانه یا خانه شاهی در مرکز این عالم قرار دارد و شاه در مرکز چهارسوی بر جهات عالم تسلط دارد. توصیف محور عمود به بالا و حد شمال، نیز تاییدی بر الوهیت جایگاه شاه است. میدان و دولت‌خانه اصفهان نیز چنان‌که در متون توصیف می‌گردد، تحت سیطره نمادین حضور شاه است. مطالعه نمونه‌های مذکور، تفسیری از رابطه تعاملی فضای عمومی و قدرت متمرکز است. میدان در جوار باغ سلطنتی واسطه‌ای است بر اعمال قدرت روی مردم و چشم‌اندازهای شهر صفوی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

ماخذ و منابع

۱. افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۹٤)، «نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار»، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، بنگاه ترجمه و نشرکتاب.
۲. انصاری، مجتبی (۱۳۷۸)، «ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی- اصفهان)»، رساله دکتری، رشته معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
۳. استروناخ، دیوید (۱۳۸۲)، «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن درباغ سازی ایران»، ترجمه کامیار عبدی، فصلنامه اثر، شماره ۲۲و۲۳، صص ٥٤-۷۵.
٤. اوا سابتنلی، ماریا (۱۳۸۷)، «باغ ایرانی: واقعیت و خیال»، ترجمهٔ داود طبایی، فصلنامه گلستان هنر، شماره۱۲، صص۱٦-۲۹.
٥. بانی‌مسعود، امیر (۱۳۸٤)، «باغ صاحب‌آباد تبریز»، فصلنامهٔ باغ نظر، شماره٤، صص۳-۱۲.
٦. برینیولی، ژان (۱۳۸٥)، «بینش شاه عباس: شهرسازی سلطنتی اصفهان»، ترجمهٔ داود طبایی، فصلنامه گلستان هنر، شماره٥، صص٦۰-۷۲.
۷. بلیلان اصل، لیدا و دوستار، فهیمه (۱۳۹٤)، «بررسی تاثیر مزارات در توسعه ساختار شهری شهر تبریز از دوره ایلخانی تا صفوی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره۸، صص٦٥-۸۸.
۸. ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۸۲)، «تاریخ عالم‌آرای عباسی»، تصحیح ایرج‌افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. حیدرنتاج، وحید (۱۳۸۸)، «باغ‌های سمرقند»، فصلنامه منظر، شماره۱، صص ۱۰- ۱۳.
۱۰. حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۸٥)، «بازخوانی میدان صاحب‌آباد از روی تصاویر شاردن ومطراق‌چی»، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره۲٥، صص۳٥-٤٤.
۱۱. خوجم لی، عبدالوهاب؛ احمدی‌پور، زهرا؛ حافظ نیا، محمد رضا و پورجعفر، محمد رضا (۱۳۹٥)، «تبیین ژئوپلتیک منظر شهری؛ رابطه قدرت و سیاست با نمادسازی شهری»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، شماره۳، صص۱-۲۸.
۱۲. عالمی، مهوش (۱۳۹۰)، «باغ‌های تبریز»، ترجمه سولماز حسینیون، فصلنامه بن، زمستان ۱۳۹۰، صص۹٥-۱۱٤.
۱۳. قمی، قاضی احمد (۱۳٦۷)، «خلاصه التواریخ»، به کوشش احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
۱٤. کربلائی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۳٥)، «روضات الجنان و جنات الجنان»، تصحیح سلطان قرائی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱٥. کربن، هانری (۱۳۹۱)، «ارض ملکوت: کالبد رستاخیزی انسان از ایران مزدایی تا ایران شیعی»، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نشر سوفیا.
۱٦. گالدیری، اوژینو (۱۳۸٦)، «کاخهای اصفهان»، ترجمه محمدتقی فرامرزی، اصفهان در مطالعات ایرانی، تهران، نشر مرکز.
۱۷. مطراق‌چی، نصوح (۱۳۷۷)، «بیان منازل»، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۸. مک‌چسنی، رابرت دی (۱۳۸۰)، «چهار منبع درباره ساخته‌های شاه‌عباس»، ترجمهٔ مهرداد قیومی بیدهندی، فصلنامه گلستان هنر، شماره٦، صص٤٦-۷٥.
۱۹. مولف گمنام (۱۳٦٤)، «عالم آرای صفوی»، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۰. نویدی، عبدی‌بیگ شیرازی (۱۹۷٤)، «کلیات نویدی»، نسخهٔ خطی شماره ۲٤۲٥، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران.
۲۱. ویلبر، دونالد (۱۳۸٤)، «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن»،ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۲. هروی، قاسم بن یوسف (۱۳٤٦)، «ارشاد الزراعه»، به اهتمام محمد مشیری، تهران، دانشگاه تهران.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]

23. Alemi, M. (2009). The Garden City of Shah Tahmasb Reflected in the Words of His Poet and Painter. Stephen Bann (Ed). Interlacing Words and Things: Bridging the Nature-Culture Opposition in Gardens and Landscape. Dumbearton Oaks: Harvard University Press.
24. Czepczynski, M. (2008). Cultural Landscapes of Post-Socialist Cities: Representation of Powers and Needs. Poland: Ashgate Publishing Company.
25. Czepczyński, M. (2010). Interpreting post-socialist icons: from pride and hate towards disappearance and/or assimilation. Poland: Human Geographies.
26. Dovey, K. (2001). Memory, Democracy and Urban Space: Bangkok's `Path to Democracy. Journal of Urban Design, Vol. 6, No. 3, pp.265282-.
27. Dovey, k. (2002). Framing place: Mediating power in built form. London: Routledge.
28. Geciene, I. (2002). The Notion of Power in the Theories of Bourdieu, Foucault and Baudrillard. Sociologija, No.2, pp.116125-.
29. Jacobs, A.J. (2008). Political Power, Collective Memory, and American Central Cities: The Discourses of the Conservative Elite's Counter-Memory of the City. The Open Urban Studies Journal, No.1, pp.25-34.
30. Wirth, E. (1997). Qazvin-safavidische Stadtplanung und Qadjarischer Bazar. Archäeologische Mitteilungen Aus Iran Und Turan,No.29,pp.464–504.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-09-14]